

چند وقتیست

(چند وقتیست، سَرَم رَوِی تَنَم می اُفتد) ۲
دَسِتِ مَن نِیست که گاهی بدنم می اُفتد

نقشِ لاله، به رَوِی پِیراهنم می اُفتد
دَسِتِ مَن کار کُند مُطمئنم می اُفتد

مَن چگونه پِیرَم، بال و پِرم سوخته است
به خدا بیشتر از تو جِگرم، سوخته است

(مَن زِ تَب کردن و بیمار شدن خسته شُدم) ۲
بَر سَرِ خادِمه سَر بار شدن خسته شُدم

با تَنِ سوخته تَب دار شدن خسته شُدم
مَن از این دست به دیوار شدن خسته شُدم

شانه از دستِ مَن اُفتاد، دِلِ زینب سوخت
چِشمِ مَن بَر حَسَن اُفتاد، دِلِ زینب سوخت

آن قَدَر آب شُدم مَن که تَنی نیست که نیست
مِثلِ تَسبیح شُدم مَن بَدَنی نیست که نیست

جُز حَلاَلَم کُن علی جان سُخنی نیست که نیست
هر چه گِشتم به خدا یک گَفنی نیست که نیست

کاشکی زودتر این پِیراهن آماده شُود
بَهرِ فَرَدای حسینم گَفن آماده شُود

حسین